

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران^۱

(جستجوی یک همکاری بهینه)

علی اصغر سعیدی*

چکیده: رشد کمی سازمان‌های غیر دولتی زنان در دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، پدیده‌ای است که رابطه دولت و این سازمان‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به تأکید قانون اساسی، برنامه‌های توسعه، گروه‌های سیاسی و اجتماعی و نخبگان فکری جامعه بر اهمیت موضوع، رشد کمی این سازمان‌ها، دلالت بر گسترش کیفی سازمان‌های غیردولتی ندارد. بررسی آسیب شناسانه این رابطه بر چهار محور همکاری، تعارض، تکمیل و تخصص، ظرفیت و امکان توانمندسازی افراد در درون این سازمان‌ها را نشان می‌دهد. از یک سو دستگاه‌های مختلف اجرایی دولت، به دنبال قانونمندی امور نظارت بر این سازمان‌ها هستند و از سوی دیگر گروه‌های اجتماعی و نخبگان فکری معتقدند، دولت نباید به ایجاد تشکل‌های مردمی مبادرت ورزد، چرا که انجام این کار توان و ظرفیت این سازمان‌ها را به تدریج تحلیل می‌برد. همین امر نشان می‌دهد که تعیین نسبت بهینه رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان اهمیت بسزایی دارد. این مقاله به بررسی این رابطه می‌پردازد تا مشخص شود آسیب‌های این

^۱ - این مقاله برگرفته از پژوهشی است با نام «بررسی آسیب شناسانه رابطه‌ای دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان» که به سفارش دفتر امور بانوان وزارت کشور در سال ۱۳۸۳ شروع و در سال ۱۳۸۴ به پایان رسید. بنابراین وامدار تلاش‌های بسیاری است که بدون آن‌ها مطمئناً تحقق نمی‌یافت. نخست کارشناسان و مدیرکل وقت دفتر امور بانوان و شورای پژوهش وزارت کشور به دلیل حمایت‌های مالی و معنوی، به ویژه خانم محتشمی پور، خانم صمدزاده، خانم کبادی، خانم بکتاشی و خانم آستین فشان. سپس، پیشنهادها، توصیه‌ها، و انتقادات، دکتر پدram موسوی که موجب تقویت ساختار این پژوهش گردید و در نهایت تمامی کسانی که در بحث‌های گروهی متمرکز شرکت کردند، به ویژه خانم موسوی، خانم مقدم، خانم پارسا، آقای روشندل و خانم اسلامی از سازمان‌های غیردولتی زنان در استان‌های مختلف. مسلماً بدون وجود همکارانم آقای فریدون شیرینکام، خانم آزاده جلالی و آقای سعید صادقی انجام این پژوهش میسر نبود. همچنین از سرکار خانم دکتر صادقی فسائی به سبب نقد، نظر و نکته‌هایشان در مورد این مقاله که موجب تقویت ساختار آن شد صمیمانه تشکر می‌کنم. اما مسئولیت تمامی کوتاهی‌ها و اشتباه‌های احتمالی بر عهده نویسنده است.

رابطه کدامند و بر اساس چه محوری می‌توان رابطه‌ای بهینه را سامان داد تا سازمان‌های غیر دولتی زنان بتوانند در آن موقعیت، شرایط اجتماعی - اقتصادی زنان را بهبود بخشند. بر این اساس، نتایج بحث‌های گروه متمرکز با نوع گروه‌های متفاوت در تهران و شهرستان‌ها، راهکارهای میان مدتی را در قبال رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان ارائه داده است. این برنامه با ارائه توصیه‌هایی، می‌تواند به مثابه یک زمینه عملی کار میان مدت، تعاون و تشریک مساعی دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان را بهبود بخشد. استمرار رابطه فعلی احتمالاً فعالیت‌ها را محدود و در تغییر ساختاری مسائل زنان نقش چندانی ایفا نخواهد کرد؛ ضمن آنکه تأکیدات قانون اساسی و برنامه‌های توسعه به مشارکت سازمان یافته زنان در برنامه‌ها، بی‌توجه باقی می‌مانند.

واژه‌های کلیدی: سازمان‌های غیر دولتی زنان، دولت، رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی، برنامه عمل همکاری و بحث گروهی متمرکز.

مقدمه

هدف این مقاله بررسی مشکلات ایجاد رابطه‌ای مطلوب و پایدار بین دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران و تدوین برنامه عمل برای اصلاح این رابطه است. این برنامه عمل، که نحوه تدوین آن در بخش روش‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد، به معنای قدمی مهم در تطور رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران تلقی می‌شود. چارچوب برنامه عمل که حاصل بحث‌های گروهی متمرکز بر اساس چارچوب مفهومی همکاری سازمان‌های غیر دولتی زنان و دولت است این مسئله را پیگیری می‌کند که نحوه همکاری دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در برنامه‌ها و سیاست‌های مرتبط دولت مؤثر خواهد بود. مقاله پس از تشریح چارچوب مفهومی به طرح پرسش‌هایی می‌پردازد که در بحث‌های گروهی متمرکز مورد بحث

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۲۹

قرار گرفتند و در نهایت نمایندگان گروه‌های متمرکز نقطه نظرات مطرح شده در این بحث‌ها را برای تدوین یک برنامه عمل مورد ارزیابی نهایی قرار می‌دهند. منظور از تدوین یک برنامه عمل، قدم برداشتن در جهت ایجاد چارچوبی پایدار برای برقراری رابطه بهینه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان است.

اهمیت رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در برنامه‌های توسعه

سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران، نیروی اجتماعی و سازمان‌یافته‌ای هستند که علی‌رغم فعالیت‌های متفاوت و ظاهراً متضاد در تهران و شهرستان‌ها در رابطه با نهادهای دولتی، از قابلیت بالایی برای اجرای برنامه‌های توسعه مربوط به زنان برخوردار هستند. این مسئله در مواد مختلف برنامه‌های توسعه به ویژه از برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید قرار گرفته است. برخی مواد برنامه چهارم توسعه نیز به طور اخص زمینه‌های عینی و عملی متعددی برای رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در بر دارد. برای نمونه ماده ۱۹۴ قانون برنامه سوم توسعه که برای دوره برنامه چهارم نیز تنفیذ شده است. بر اساس بند «ه» این ماده: «ارتقاء مشارکت نهادهای غیر دولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقر زدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت‌های منطقه‌ای و اعمال حمایت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یاد شده توسط آنان و دستگاه‌ها و نهادهای مسئول در نظام تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد. در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ در ادامه بند «ه» بر این مسئله تأکید شده است که: «اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی، بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی ... از جمله اهداف توسعه‌ای دولت بشمار می‌آید».

همچنین ماده ۹۶ بند ب شماره ۶ قانون نیز بر «تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد تأکید دارد» (همان). همین طور در بند «ی» این مسئله عنوان شده است که دولت باید نسبت به «تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خود سرپرست و سرپرست خانوار با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادهای ذیربط و تشکل‌های غیردولتی و تصویب آن در هیئت وزیران در شش ماهه نخست سال اول برنامه» اقدام کند (همان). بنابراین، در بستر قانون برنامه سوم و برنامه چهارم می‌توان زمینه‌های عملی روشنی از طرح همکاری سازمان‌های غیردولتی زنان و دستگاه‌های دولتی مسئول مربوطه ایجاد کرد. اگر این فرض را بپذیریم که رویکرد دولت به مسئله سازمان‌های غیردولتی زنان، رویکردی توسعه‌ای با تأکید بر مشارکت سطح بالای افراد جامعه در توانمندسازی است و در این راه، مسئله جنسیت از اهمیت بالایی برخوردار است، دولت به دنبال هماهنگ کردن و تدوین راهکارهایی برای اصلاح رابطه خود با سازمان‌های غیردولتی زنان است.

سازمان‌های غیردولتی در پی رخدادهای دهه ۱۳۷۰ و پس از گذشت حدود یک دهه از انقلاب ۱۳۵۷ گسترش یافتند. تعداد این سازمان‌ها در سال ۱۳۴۷ تنها ۳۷۷ گزارش شده است، اما تا سال ۱۳۷۸ تعداد آنها به ۴۰۰۰ رسید، که از آن میان، بسیاری دیگر وجود دارند که به ثبت نرسیده‌اند (وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۸). همچنین درحالی‌که از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۵ تنها ۱۳ سازمان غیر دولتی زنان در ایران وجود داشت، تا سال ۱۳۷۹ این تعداد به ۱۵۸ سازمان ثبت شده و ۹۲ سازمان ثبت نشده رسید. در سال ۱۳۸۰ این تعداد به ۲۲۸ سازمان ثبت شده و ۲۰۰ ثبت نشده و در سال ۱۳۸۱ به ۲۷۹ ثبت شده و ۲۸۹ ثبت نشده، افزایش یافته است (همان).^۱

^۱ - بررسی، توصیف و تحلیل وضع سازمان‌های غیردولتی به سبب تغییرات کمی در این سازمان‌ها و آمارهای مختلف رسمی ممکن است با اشتباهایی همراه باشد. به ویژه اینکه بر خلاف بسیاری آمارهای رسمی هنوز مرجعی برای انتشار آمارهای رسمی سازمان‌های غیردولتی از سوی دولت معرفی نشده است.

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۳۱

این سازمان‌ها فعالیت‌های متفاوت، متنوع و حتی غیر مربوط به مسائل زنان را انجام داده‌اند که ریشه‌های آن به برخی فعالیت‌های خود جوش مانند تلاش برای ساختن مهد کودک در محل‌های کار و کلاس‌های سواد آموزی و ... بر می‌گردد. این فعالیت‌ها به رشد آگاهی زنان در تشکیل انجمن‌های صنفی گوناگون پرستاری، وکلا و معلمان منجر شده است. همچنین انجمن‌های خیریه کمک به معلولین و فقرا و حفاظت از محیط زیست از دیگر انواع فعالیت زنان در این سازمان‌هاست (رستمی پویی، ۲۰۰۴: ۲۵۵-۲۵۴). همچنین برخلاف دیدگاه‌های ساده انگارانه‌ای در برخی بررسی‌های غربی‌ها مبنی بر این که دگم‌های مذهبی در برخی جوامع مسلمان فشارهای ضد مشارکت جوانانه‌ای را بر زنان تحمیل می‌کند (بهرام تاش، ۲۰۰۴)، باید گفت که با نگاهی جامعه شناختی زمینه‌های رشد مشارکت سازمان یافته زنان را باید در عواملی مانند مشارکت گسترده و بی‌سابقه زنان در انقلاب اسلامی؛ فعالیت جمعی زنان در پشت جبهه جنگ ایران و عراق؛ در مساجد برای تهیه مواد غذایی و ارائه خدمات بهداشتی؛ تشویق و ترغیب مردان به اعزام به جبهه‌ها و مسئله حجاب جستجو کرد (رستمی، ۲۰۰۴: ۲۵۵-۲۵۴ و شیرودی، ۱۳۸۴).

همچنین سازمان‌های غیر دولتی زنان از قابلیت‌های بالایی برای دموکراتیزه کردن حوزه‌های زندگی در جامعه مدنی برخوردار هستند (جانسون اوسیریم، ۲۰۰۴). البته به طور اجمالی، توسعه وسیع سازمان‌های غیردولتی از دهه ۱۳۷۰ را می‌توان نتیجه سیاست‌های دولت به ویژه از برنامه سوم توسعه به بعد دانست که به هدف توسعه سیاسی تسهیلاتی برای این سازمان‌ها فراهم کرد. با این وجود رابطه این سازمان‌ها با دولت به دلایل مختلف، که این مقاله در صدد بحث و بررسی آنهاست، بسیار محدود و با شک و تردید روبرو شده است. همچنین مقاله این بحث را مطرح می‌کند که سازمان‌های غیر دولتی زنان متمایز از سایر سازمان‌های غیر دولتی اند. به این معنی که این سازمان‌ها نسبت به سایر سازمان‌ها چند منظوره‌تر هستند. زنان عضو این سازمان‌ها علاوه بر امور ویژه زنان به موضوعات عامی غیر از مسائل زنان نیز می‌پردازند.

امری که در سازمان‌های دیگر کمتر مشاهده شده است. بنابراین، تعریف ما از سازمان‌های غیردولتی زنان به سازمان‌هایی اشاره دارد که هیئت مدیره و مسئولین آن یا اکثریت اعضاء آن را زنان تشکیل دهند و یا به امور ویژه زنان بپردازند.

مروری بر پژوهش‌های پیشین

نتایج بحث‌های گروهی که بر اساس چارچوب مفهومی انواع رابطه صورت گرفته است تفاوت چشمگیری با برخی از پژوهش‌های پیشین به ویژه در مورد الویت مسائل مربوط به زنان و تعریف سازمان‌های غیردولتی زنان در تهران و شهرهای مختلف دارد.

پیش از بررسی مسائلی که مربوط به رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی می‌شود، اشاره به این مسئله اساسی ضروری است که یکی از عواملی که موجب آشفتنگی در رابطه این سازمان‌ها با دولت و نیز وضع درونی آنها شده، عدم حداقلی از اجماع، بر سر تعریفی از سازمان‌های غیردولتی زنان در هنگام آغاز به کارشان در دهه گذشته بوده است. به طوری که تعاریف دلخواه و سلیقه‌ای است و یک تعریف و برداشت همگانی قانونی اعمال و ارائه نگردیده است. در چنین موقعیتی هیچ کس قادر به شفاف‌سازی سیمای اصلی این نهادها و سازمان‌های مفید و مؤثر به حال جامعه نبوده و فعالیت آنان در حاله‌ای از ابهام قرار گرفته است (شعبانی، ۱۳۸۱).

همچنین پژوهش‌های پیشین مسئله عدم اطمینان برخی مسئولان دولتی به فعالیت‌های این سازمان‌ها را علت مسائل فیما بین سازمان‌های غیردولتی با دولت می‌دانند. پژوهش‌های انجام شده بر این مسئله تأکید دارند که برخی مسئولان، سازمان‌های غیردولتی را به عنوان یک جایگزین (آلترناتیو)، برای خود مطرح می‌کنند که قصد دارند جای مدیران دولتی را هم بگیرند (امید محترم، ۱۳۸۲). به غیر از عوامل عمده‌ای که ذکر شد، پژوهش‌ها بر عواملی مانند؛ کنترل ناهماهنگ، غیر متمرکز، و ناقص دولت بر این سازمان‌ها، موانع

رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران ۳۳

قانونی در ثبت و توسعه، تمرکز سازمان‌های غیردولتی در تهران، به ویژه توجه به سازمان‌های غیردولتی شبه دولتی تازه تشکیل یافته در پایتخت (گزارش UNDP)، فقدان امکانات و تسهیلات، و فقدان دانش کافی در سازمان‌های غیردولتی تأکید دارند این مسائل به رابطه دولت و این سازمان‌ها آسیب می‌زند. پژوهش‌ها و اظهارنظرهای مطلعان و ذینفعان نشان می‌دهد هنگامی که بحث سازمان‌های غیردولتی خاص‌تر شده و به مسئله زنان پرداخته می‌شود، بار اهمیتی آن نیز افزایش می‌یابد. شرکت آزادانه زنان در سازمان‌های غیردولتی و بازشناسی ارزش‌ها و حقوق آنان، راهی مطمئن در ایجاد محیطی امن برای بروز خلاقیت، ابتکار و افزایش مشارکت اجتماعی زنان تلقی می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که سازمان‌های غیردولتی زنان جایگاه ویژه‌ای در ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه نیروی انسانی و شناساندن نقش زنان در تحقق جامعه مدنی دارند (امیری، ۱۳۸۱). همچنین لحاظ شدن زنان در انجمن‌های غیردولتی و کمک به ایفای بهتر نقش‌های آنها در جامعه از طریق توانمندتر شدن آنان مقدور است. به همین دلیل فعالیت‌های انجمن‌های زنان پیشرو و تحصیل کرده، برای ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در زنان، اهمیت دارد (گزارش همشهری، ۱۳۸۱).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تشکل‌های زنان نیز مانند دیگر تشکل‌های مردمی، از قوانین و آیین‌نامه‌های دست و پاگیر دولتی رنج می‌برند، به ویژه در زمینه ثبت، مشکلات مالی و نبود اعتماد به نفس نسبت به ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود در مبارزه و غلبه بر محدودیت‌های موجود. قوانین ناظر بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی و عدم آشنایی مردم با ماهیت و کارکرد آنها از جمله عواملی است که این سازمان‌ها را در تنگنا قرار داده است (گزارش جوان، ۱۳۸۲). همچنین، موضوعات و تحولات سیاسی، سازمان‌های غیردولتی زنان را تحت شعاع خود قرار می‌دهد و باعث تضعیف این سازمان‌ها می‌شود (گزارش میزگرد، نامه ۵۶، ۷). به

ویژه اینکه، قوانین دولتی درباره سازمان‌های غیردولتی زنان در مقایسه با کلیه غیر دولتی‌ها ناعادلانه است (خراسانی، ۱۳۸۲).

چارچوب مفهومی در بررسی رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان

ابعاد مختلفی بر رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان می‌تواند حاکم باشد که عبارتند از: رابطه همکارانه، رابطه خصمانه، رابطه تکمیلی یا رابطه براندازانه (نجام، ۲۰۰۰). افزایش تعامل بین دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان به انواع این نوع روابط دامن زده است. این قالب چهار وجهی مبتنی بر علایق و ترجیحات دولت و سازمان‌های غیر دولتی در ابزار و اهداف سیاست‌ها است. رابطه همکاری به خاطر اهداف و همچنین ابزار مشابه؛ رابطه تضاد بر سر ابزار و اهداف متفاوت؛ رابطه تکمیلی به خاطر اهداف تکمیلی مشترک و ابزار متفاوت در رسیدن به آن‌ها؛ و براندازانه در مواردی که اهداف متفاوت بوده است، اما ابزاری یکسان به کار گرفته می‌شوند. بر اساس این چهار نوع روابط ممکن می‌توان درک بهتری از رابطه سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های دولتی فراهم کرد. البته انواع تعاملات تنها با درک انواع ترکیب روابط بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی قابل فهم است. بدین معنی که عوامل جدا از هم، نظیر نوع دولت (چه دولت مردم سالار یا اقتدارگرا)، وضعیت توسعه‌ای کشور (چه در حال پیشرفت یا کشوری عقب مانده)، ایدئولوژی اقتصادی حاکم بر کشور (ایدئولوژی لیبرال یا اقتصاد کنترل شده) نمی‌توانند این نوع روابط را به خوبی تبیین نمایند (نجام ۲۰۰۰ و ۱۹۹۶).

البته همپوشی بین انواع رابطه نیز وجود دارد که ناشی از ساز و کارهای مشترک آن‌هاست. برای نمونه در صورت تداخل کارها و وظایف، حتی اگر رابطه غالب همکارانه باشد نمی‌توان از تنش‌ها و اختلافات اجتناب‌ناپذیر میان دولت و این سازمان‌ها جلوگیری کرد. اگر این همپوشی‌ها که اجتناب‌ناپذیر نیز هستند دیده نشود، این‌طور تصور می‌شود که نوعی از این چهار شکل رابطه از صحنه روابط موجود کنار کشیده

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۳۵

است. در صورتی که این روابط تنها نوع آرمانی را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، تمامی چهار شکل رابطه، لزوماً اتفاق نمی‌افتند، اما مطمئناً در برخی سازمان‌های دولتی و غیر دولتی صدق می‌کند. البته باید گفت که به علت ظهور پدیده جهانی شدن، رهیافت‌های مشارکت جویانه‌تر میان این بخش‌ها بیشتر یافت می‌شود و بیش از آنکه رابطه ستیزه‌جو و براندازانه باشد، همکاری‌طلب است. اگرچه به طور عام برخورد دولت‌ها با سازمان‌های غیردولتی دامنه‌ای وسیع از تسهیل‌گری، برخورد خنثی، نظم‌بخشی، تا سرکوب را در بر می‌گیرد (همان).

همانطور که گفته شد هر نهاد و سازمانی دارای مجموعه‌ای از اهداف و ابزار رسیدن به آن‌ها می‌باشد. با فرض اینکه غیردولتی‌ها نیز در امر سیاستگذاری دخیل هستند، رابطه دولت و آنها را در چهار شکل ممکن ترسیم می‌کنیم: (۱) تلاش برای رسیدن به هدفی مشترک با ابزار مشابه، (۲) تلاش در جهت رسیدن به اهداف متفاوت با ابزار متفاوت، (۳) تلاش برای هدفی مشترک اما ترجیحاً با ابزاری متفاوت، و (۴) ترجیح استفاده از ابزاری مشترک با اهداف متفاوت. نتیجه این موقعیت‌ها به صورت‌های ذیل بروز می‌کند: (۱) همکاری و تعاون، (۲) خصومت، (۳) تکمیل اقدامات طرف دیگر و (۴) براندازی یکدیگر.

جدول شماره ۱- رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی

متفاوت	مشترک	اهداف
		راهبردهای ترجیحی
براندازی	همکاری	مشابه
خصومت	تکمیل	متفاوت

(نقل از عادل نجام)

البته روشن است که موقعیت پنجمی نیز می‌تواند، روی دهد و آن این است که دولت و سازمان‌های غیردولتی کاری به کار یکدیگر نداشته باشند، که چنین حالتی بیشتر فرض است چرا که با وجود حوزه‌های مشترک فعالیت اجتماعی امکان عدم تداخل بین وظایف و اهداف سازمان‌های غیر دولتی و دولت بسیار پایین می‌آید.^۱

همکاری بین دولت و سازمان‌های غیر دولتی هنگامی اتفاق می‌افتد که در یک موضوع مشخص، دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی نه تنها سیاست و هدف مشترک، بلکه ابزار مشابهی را نیز به کار گیرند. در این حالت یک همگرایی میان اهداف و ابزار هر دوی این‌ها برقرار است. هنجارهای مشترک، ارتباطات آزاد و برخی هماهنگی‌ها از مشخصه‌های این وضعیت است. لازمه این وضعیت: الف) وجود اطلاعات آزاد، ب) برنامه ریزی‌های مناسب دولتی و ج) بی‌طرفانه بودن سیاست‌های حکومتی است. البته در این رویکرد، لازم نیست دولت و غیردولتی‌ها برای شروع و ادامه همکاری از قدرتی یکسان و متقارن برخوردار باشند. این نوع همکاری مبنای اصلی برنامه عمل احتمالی است. اگر زمینه‌های مناسب ذکر شده در مورد ایران نیز، از نظر بحث‌های گروهی متمرکز وجود داشته باشد؛ بنابراین این پرسش بایستی مورد بررسی قرار گیرد که آیا دولت به سازمان‌های غیر دولتی زنان به عنوان پیمانکاران خدمات اجتماعی می‌نگرد یا خیر؟ البته همانطور که بیشتر بحث شد این مسأله در برنامه سوم و چهارم توسعه تصریح شده است.

رابطه خصمانه میان دولت و سازمان‌های غیردولتی نیز زمانی شکل می‌گیرد که این دو تصور کنند، اهداف و راهبردهای هر کدام با اهداف و ابزارهای طرف دیگر در تضاد می‌باشد. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که دولت و سازمان‌های غیردولتی اغلب به طور روشن یا ضمنی رابطه خصمانه یا ناسازگارانه با همدیگر احساس می‌کنند. رابطه تکمیلی میان دولت و سازمان‌های غیردولتی نیز هنگامی ایجاد می‌شود که

^۱ - گذشته از این، در آن صورت این دو در واقع رابطه‌ای با هم نخواهند داشت، از این رو خارج از چارچوب این بررسی خواهد بود.

رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران ۳۷

هر دو طرف دارای اهدافی یکسان باشند، اما از ابزار متفاوتی برای رسیدن به آن اهداف استفاده کنند. باید توجه داشت که این رابطه ساده و یک طرفه نیست. یعنی بدین صورت نیست که فقط سازمان‌های غیردولتی دست به انجام اقداماتی بزنند که دولت نخواسته و یا نتوانسته انجام دهد، بلکه دولت نیز اقداماتی را انجام می‌دهد که این سازمان‌ها از انجام آن ناتوان بودند و یا تمایلی به انجام آن نداشتند. این نوع رابطه، به ویژه در فراهم کردن خدماتی مورد توجه است که از نظر دولت سازمان‌های غیردولتی باید دست به تهیه چنین خدماتی زنند که دولت به هر دلیلی آن‌ها را فراهم نکرده است. البته برای این دسته از سازمان‌های غیردولتی اغلب مهم این است که به توسعه از پایین به بالا در اجتماع دست یابند. این نوع از سازمان‌ها دوست دارند، اقدامات خود را مستقل و جدا از دولت انجام دهند، اما رابطه شان با دولت خصمانه نیست.

براندازی نیز نوعی رابطه میان دولت و سازمان‌های غیردولتی است که هنگامی حاکم است که هر دو طرف از راهبردهایی یکسان استفاده کنند، در حالی که اهداف جداگانه‌ای را تعقیب می‌کنند. این رابطه که مبتنی بر اختلاف است، معمولاً ناپایدار و گذرا می‌باشد. البته این روابط همواره الزامی نیستند. به این ترتیب که ممکن است در بسیاری از کشورها، حکومت و سازمان‌های غیردولتی آن، شاخصه‌های این نظریه را داشته باشند، اما رابطه این دو از نوع دیگر باشد که این امر به نوع جامعه، ملت و حتی جغرافیای آن‌ها مربوط است (نجام، ۲۰۰۰).

مسائل و چالش‌ها

بر اساس چارچوب مفهومی انواع رابطه، فهرستی از چالش‌های مهم و مورد تأکید در جلسات بحث با ذینفعان در گروه‌های بحث متمرکز به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است: (۱) تقویت درگیری و مشارکت سازمان‌های غیردولتی زنان، (۲) افزایش شفافیت و تعامل از طریق دسترسی به اطلاعات از درون برای اعضا

و از بیرون برای دولت و جامعه، ۳) چگونگی تقویت ظرفیت‌ها به منظور حمایت از همکاری در میان ذینفعان، ۴) تقویت همکاری دولت با سازمان‌های غیردولتی زنان و ۵) توسعه ظرفیت‌های سازمان‌های دولتی مربوطه برای همکاری با سازمان‌های غیردولتی زنان.

توسعه چارچوبی برای همکاری

از آنجایی که رسیدن به هر سیاست همکاری باید دو طرفه باشد، اجرای برنامه‌ای دو طرفه در تسهیل تشریک مساعی بین دولت و سازمان‌های غیردولتی مورد نظر این مقاله است. هر برنامه‌ای برای ایجاد رابطه پویا بین دولت و سازمان‌های غیردولتی در سطح کشوری به کار مستمر دو طرف ذینفع نیاز دارد. به همین خاطر نیز قالب «همکاری» ترجیح اصلی دو طرف یعنی سازمان‌های غیردولتی زنان و دولت است چون فرض بر این است که هر دو طرف اهداف مشابه دارند. از این رو این مقاله در پی روشن کردن حوزه‌های همکاری دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان است. برخی حوزه‌های پیشنهادی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است؛ عبارتند از: ارائه کمک‌های فنی، انتقال تجربه و دانش و یکپارچه کردن آن‌ها در سازمان‌های مختلف، برنامه‌ریزی و کار در سطح کشور در مواقع اضطراری و توسعه سیاست‌ها. از این رو بر اساس بررسی وضعیت موجود و مطلوب برای تقویت همکاری سازمان‌های غیردولتی زنان و دولت، چارچوب اصول همکاری دو طرف در جلسات بحث‌های گروهی و کارگاه‌های پژوهشی به بحث گذاشته شده است.

توسعه چارچوب اصول همکاری و رابطه بهینه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان بر این تأکید دارد که طرفین ذینفع نقش‌های مشروع و مهمی را در فرآیند توسعه ایفا می‌کنند و می‌توانند از طریق همکاری، به رشد و توانمندسازی زنان، افزایش مشارکت اجتماعی آنان و حل مشکلات گوناگون آن‌ها در قالب برنامه‌های

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۳۹

توسعه کمک کنند. توسعه اجتماعی، وجود حاکمیت خوب^۱ و تلاش برای حل مسائل زنان در جایی که طرفین درگیر تعامل برای ایجاد توسعه پایدار باشند، ممکن است. این تعامل نیازمند درک متقابل دولت و سازمان‌های غیر دولتی از یکدیگر است.

روش شناسی: از بحث‌های گروهی متمرکز^۲ تا تدوین برنامه عمل

بحث گروهی متمرکز

برای آسیب شناسی نحوه تعامل دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان و یافتن راهکارهای مناسب برای آن از روش کیفی بحث گروهی متمرکز استفاده شده است. با این روش مدیران دولتی و برنامه‌ریزان بهتر می‌توانند به فهم و درک گروه‌های ذینفع^۳ دست یابند. برای ساختن مبنای قیاسی که بتواند نقطهٔ بهینه رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان را شناسایی کند، روش طرح بر مبنای دو روش مکمل اجرایی استوار است: ابتدا روش بحث گروهی متمرکز، شامل ۸ گروه با تیپ‌های گروهی در شهرستان‌های مختلف، مرکب از مسئولین و اعضای هیئت مدیره سازمان‌های غیر دولتی زنان^۴ و سپس کارگاه بررسی برنامه عمل مرکب از نمایندگان بحث‌های گروهی قبلی.

در بیشتر برنامه‌های مبتنی بر کنش اجتماعی که درگیر با پژوهش‌های معطوف به کنش است عموماً از روش گروه متمرکز استفاده می‌شود چرا که هم می‌تواند به تنهایی به پرسش‌های مشاور، ناظر یا مدیر برنامه‌های دولت یا بخش خصوصی پاسخ دهد و هم اینکه، در کنار انجام پژوهش‌های پیمایشی آماری به

1 - Good governance

2 - Focus Group Discussion

3- Stakeholder

۴ - روشن است که استفاده از نتایج این روش صرف نظر از عمق آنها با همان مشکلات تعمیم به سایر گروه‌ها که در روش کمی نیز وجود دارد روبرو است.

عنوان مکمل قرار گیرد. این روش به عنوان یکی از انواع روش‌های کیفی پژوهش در مقایسه با روش‌های کمی محدودیت بیشتری دارند، اما مزیت عمده آن این است که به عمق بیشتری می‌رود و از سطح مشاهدات صرف یا ویژگی‌های مشاهده‌شده‌ی در افراد انسانی، نهادهای طبقه و گروه که در پژوهش‌های پیمایشی انجام می‌گیرد، فراتر می‌رود. تمایل روز افزون به برگزاری جلسات متمرکز گروهی با این انگیزه صورت می‌گیرد که بتوان در موضوع مورد بررسی به فهم روابط پویا، طرز تلقی‌ها، انگیزه‌ها، ایده‌ها و مشکلات مبتلا به در یک حوزه معین کاربردی و حتی در زمینه‌های نظری و در فعالیت‌های انسانی دست یافت.

تعداد افراد در گروه‌ها محدود (۶ تا ۱۲ نفر) و از کسانی بودند که تا حدی هم سطح بودند و تحت مدیریت تسهیل‌گر به بحث درباره موضوع مربوط به خودشان می‌پرداختند. در برخی موارد ما تسهیل‌گر را با آموزش اولیه از همان رده شرکت‌کنندگان انتخاب کردیم. یعنی رهبری گروه را به یکی از افراد هم‌سنخ همان گروه سپردیم. تمامی این امور برای این صورت‌گرفت تا افراد را ترغیب کنند تا به بیان آزادانه نظریات و اعتقادات خود بپردازند. در این روش، ما به شرکت‌کنندگان نه به عنوان منابع اطلاعاتی پژوهش بلکه به عنوان عامل انسانی می‌نگریم که باید در فرایند پژوهش و پس از آن فعال باشند و در ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی نقش مهمی داشته باشند. به همین دلیل به غیر از اطلاع‌رسانی به شرکت‌کنندگان در دعوت نامه‌های ارسالی و اقدامات هماهنگی پیش از تشکیل جلسات، در شروع بحث‌های گروهی نیز توضیحات مبسوطی درباره روش مورد مطالعه به شرکت‌کنندگان ارائه می‌شد. انتظار رسیدن به وفاق نسبی در این بحث‌ها اگرچه بنظر ممکن نمی‌رسد اما می‌توان گفت که بیان افراد در میان جمع چه به طور فردی و چه به صورت جمعی نوعی توانایی به افراد می‌دهد که از آن به عنوان توانمندی اجتماعی صحبت کردن و قدرت بیان مشکلات نام برده‌اند.

رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران ۴۱

چارچوب برنامه عمل

چارچوب برنامه عمل^۱ پیشنهادی این پژوهش که بر اساس بحث‌های گروهی متمرکز تدوین شده است در بردارنده دو جنبه است: نخست اینکه توسط ذینفعان سازمان‌های غیردولتی زنان در جامعه مدنی و دولت و از طریق سلسله بحث‌های گروهی متمرکز که بیش از ۶ ماه به طول انجامید، بیرون آمده است. افزون بر ۷۰ نفر از نمایندگان سازمان‌های غیردولتی زنان و کارشناسان دولتی در ۸ جلسه بحث متمرکز گروهی شرکت کردند. جنبه دوم اینکه، این چارچوب برنامه عمل یک نوع سیاست یا راهبرد عمل نیست، بلکه تنها به مثابه یک «نقشه راه» برای هدایت و راهنمایی جهت تعاون و تشریک مساعی دولت و سازمان‌های غیردولتی می‌باشد. ذینفعان سازمان‌های غیردولتی زنان و کارشناسان دولتی مربوطه از طریق تشریک مساعی قادر شدند تا برنامه میان مدتی را تدوین کنند تا در چارچوب آن تعاون بین سازمان‌های غیردولتی و دولت با توجه به کثرت نظرات و تجربیات، محقق شود.^۲

این ارتباطات با هدف کاهش آسیب‌های رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان عمل خواهد کرد. بر این مسئله تأکید می‌کنیم که سازمان‌های دولتی تنها زمانی می‌توانند نتایج این پژوهش را در اتخاذ رهیافت‌های عام در قبال سازمان‌های غیردولتی زنان به کل این نوع سازمان‌ها تسری دهند که به دو نکته اجرایی و روش شناختی توجه کنند: نخست، به دلیل مشکلات تشکیل بحث‌های گروهی متمرکز نمی‌توان میزان مناسب و بالایی از تمام گروه‌های ذینفع فراهم آورد تا هم نظریات تمام انواع سازمان‌ها مورد بررسی قرار گیرد و هم به عینیت کار پژوهش توجه شود. دوم آنکه، به دلیل اینکه، مسئله بررسی جنبه‌های اجتماعی سازمان‌های زنان به عنوان عامل مهمی در روابط جنسیتی مورد توجه عام قرار گرفته است و موضوع جنسیت یکی از مسائل مهم در دستور کار علوم اجتماعی و توسعه پایدار است نمی‌توان به آسانی ضرورت

^۱ - Action plan

^۲ - برای تجربه مشابه ن.ک. بانک توسعه آسیایی.

پاسخ به نیازهای فکری روز افزون پژوهش در این باب را نادیده گرفت. موضوع جنیست بیشتر حوزه‌های زندگی امروزه را تشکیل داده و روابط جنیستی به اشکال متفاوتی در جوامع مختلف ظاهر می‌شود. همچنین بخش‌های اجرایی دولت که متولی امور بانوان هستند، نیازمند رهیافتی مناسب براساس نتایج پژوهش‌های خاص هستند تا دست به انتخاب‌هایی بهینه در تعامل خود با این سازمان‌ها در تمام مراحل ارتباطی از انجام آموزش‌های ضروری تا تدوین آیین‌نامه‌ها بزنند.

نتایج بحث‌های گروهی متمرکز و مصاحبه‌های عمیق^۱

با توجه به طرح پرسش‌های کلی در این گروه‌ها، برخی از نتایج بدست آمده که بیشترین توافق بر آن قرار داشته است به شرح زیر ارائه شده است. اگرچه طرح برنامه عمل به عنوان تکمله نهایی به مناقشات و اختلاف نظرها تا حد زیادی پایان داد:

۱- همانطور که گفته شد یکی از مسائل مناقشه‌آمیز در رابطه با دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان تعریف مشترک و وفاق بر سر تعریفی واحد از این سازمان‌هاست. تعداد سازمان‌های غیردولتی که زنان در سطوح مدیریتی آن حضور دارند و یا زنان اکثریت اعضاء آن را تشکیل می‌دهند، قابل ملاحظه است. اگرچه ممکن است، به امور ویژه زنان نپردازند. اما آیا این تعریفی قابل قبول است؟

برای تعریف سازمان‌های غیردولتی به طور اعم و سازمان‌های غیردولتی زنان به طور اخص نمی‌توان تعریف واحدی ارائه کرد. قدر مسلم اینکه «غیردولتی» بودن یکی از ویژگی‌های مهم است. اما آیا می‌توان

^۱ - به همان اندازه که صحبت کردن با شیوه گروهی با زنان هر چه بیشتر عینیت نتایج حاصله را افزایش می‌دهد، مصاحبه‌های تنها و طولانی از آنجایی که احتمالاً باعث افزایش احساس ترس و وحشت می‌شود، عینیت پاسخ به پرسش‌ها را کاهش می‌دهد. این احساس از آنجایی است که مصاحبه شونده واقعاً نمی‌تواند مطمئن شود، گروه پژوهش چه می‌خواهد و چه کسانی هستند. بنابراین دو مصاحبه‌ای که در این پژوهش انجام شد بدین سبب بود که مصاحبه‌شونده‌ها نمی‌توانستند در جلسه شرکت کنند؛ در ضمن برای ایجاد شرایط بهتر، این مصاحبه‌ها در مکان بحث‌های گروهی با تأخیر زمانی و در حضور یک یا دو زن دیگر انجام شد.

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۴۳

در تعریف این سازمان‌ها نوعی عدم رابطه با دولت را استنباط کرد؟ همین طور اگر بر این وجه تمایز تأکید شود، به راحتی نمی‌توان بین این سازمان‌ها و دسته وسیعی از سازمان‌های اقتصادی در بخش خصوصی تفکیک قائل شد، لذا ویژگی‌های دیگری را نیز باید برای این سازمان‌ها در نظر گرفت. در تعریف سازمان ملل متحد سازمان‌های غیر دولتی سازمان‌هایی هستند که در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی و یا محلی بدون کنترل دولت فعالیت می‌کنند (هریسی نژاد، ۱۳۸۰). بنابراین، حداقل باید بین سازمان‌های دولتی و غیردولتی تمایز قائل شد. به این معنی که سازمان غیر دولتی در اصل بخشی از دولت نمی‌باشد (همان).

به غیر از دولتی بودن، مستقل بودن، غیرانتفاعی بودن، داوطلبانه بودن، منعطف بودن، دموکراتیک بودن، غیرسیاسی، خیریه‌ای و نوع دوستانه بودن از سایر ویژگی‌های فعالیت‌های غیردولتی‌ها شناخته شده است. البته ممکن است در مواردی چنین ادعاهایی مورد موافقت صاحب نظران سازمان‌های غیر دولتی قرار نگیرد. اما در اینجا به عنوان یک فرض مطرح شده و در جریان بحث‌های گروهی مورد بررسی قرار گرفته است (نگاه کنید به نجام، ۲۰۰۰).

یکی از مواردی که در بحث‌های گروهی بررسی شده است، مسئله تعریف و ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی زنان است. هنوز اجماعی بر این مسئله نزد ذینفعان وجود ندارد و این امر بر کار آن‌ها تأثیر جدی می‌گذارد. از آنجایی که درک مشترک کارشناسان دولتی^۱ و سازمان‌های غیر دولتی مبنای عمل مناسبی

^۱ - نتایج جلسه بحث گروهی متمرکز با برخی کارشناسان زن در سازمان‌های دولتی نتایج کلی زیر را داشته است که در جلسه بررسی نتایج تمامی گروه‌ها و بحث پیرامون برنامه عمل مورد بررسی قرار گرفت: فقدان اطلاعات کافی نسبت به سازمان‌های غیردولتی، فقدان آسیب شناسی و عدم دسترسی به اطلاعات مورد نیاز، عدم آموزش در سازمان‌های غیر دولتی برای دنبال کردن مسائل خاص زنان و جهت گیری به سوی مسائل جنسیتی، عدم کمک مالی دولت به غیر دولتی‌ها و لزوم جلوگیری از رشد قارچ گونه آن‌ها، سنگین شدن ساخت نهادهای دولت و در نتیجه راه ندادن به فعالیت‌های غیر انتفاعی غیر دولتی‌ها، تدوین قانون، آموزش زنان غیر دولتی‌ها در کنار دولتی‌ها، رسیدن به تعریفی حداکثری با تغییر فعالیت‌های غیر دولتی‌های زنان و ایجاد دغدغه برای زنان نسبت به مسائل خود، برقراری ارتباط سازمان‌های غیردولتی با توده مردم، کمک به شبکه سازی در بین غیر دولتی‌های زنان، تخصصی کردن سازمان‌های غیر دولتی زنان، داشتن معیاری مشخص برای کمک مالی به غیر دولتی‌ها، جلوگیری از سازمان‌های غیر دولتی کاذب و سرانجام نیاز به برنامه عمل.

برای اتخاذ یک تعریف حداقلی از سازمان‌های غیر دولتی زنان و حرکت به سمت یک تعریف حداکثری (یعنی پرداختن این سازمان‌ها صرفاً یا عمدتاً به امور خاص زنان) است این امر یکی از مسائل مورد بحث در گروه‌های غیر متمرکز است که برای زنان ذینفع، چه در میان کارشناسان دولتی و اعضای سازمان‌های غیردولتی زنان مطرح شده است. به عبارت دیگر، آیا می‌توان گفت که سازمان‌های غیردولتی زنان صرف نظر از اهداف خاص، سازمان‌هایی هستند که زنان در مدیریت آن نقش کلیدی دارند؟ چنین تعریف مشترک و حداقلی کمک خواهد کرد تا سازمان‌های دولتی در جهت ارتقای آگاهی جنسیتی زنان برنامه‌های خاصی را تدوین کنند. اما تأکید بر تعریفی از سازمان‌های غیردولتی زنان که تنها مقولات زنان را پیگیری کند، تعریف حداکثری است که با محسوب کردن آن ممکن است بخش اعظمی از سازمان‌های غیر دولتی زنان از آن حذف شوند.

نتایج بحث‌ها نشان داد که برخی بر این نظر بودند که زنان به این دلیل بیشتر به مسائلی نظیر محیط زیست، یا معتادان (که به هر صورت بیشتر مسئله ای مردانه است) می‌پردازند که نمی‌توان زنان و مردان را در اینگونه امور جدای از هم دید و مشکلات انسانی هم برای مردان و هم برای زنان وجود دارد. مثلاً در مورد معتادان به فرض که اکثر معتادان مرد باشند، ولی زنانی، که خانواده این افراد را تشکیل می‌دهند، خواه ناخواه درگیر و قربانی این معضل می‌شوند. به علاوه، در جامعه ما مسئله زنان حساسیت برانگیز است. این حساسیت از فرهنگ و جامعه ما برمی‌خیزد و برای آنکه آن را کم‌رنگ کنیم، باید زنان در سطح اجتماع فعال شوند و فرهنگ دموکراسی را آموزش ببینند. این امر بسیار ساده‌تر و آموزش دهنده‌تر از آن است تا اینکه مسائل خاصی که حساسیت ایجاد می‌کند را پیش کشید. فعالیت در هر زمینه‌ای که باشد، نفس این که خود زنان دارند این فعالیت را انجام می‌دهند، کفایت می‌کند. بر این اساس، زنان با حساسیت ایجاد کردن نسبت به مسائل خود می‌توانند فعالیت کرده و به تدریج جامعه را متوجه خود سازند. برای نمونه، سازمان غیردولتی که در مورد حقوق زنان به صورت خاص فعالیت کند، در قم وجود ندارد.

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۴۵

یکی از اعضای سازمان‌های غیر دولتی زنان می‌گوید: «اگر مباحث زنان عمومی و خیریه‌ای مانند اشتغال زنان سرپرست خانوار باشد، کسی کاری ندارد ولی اگر وارد فضاهای فرهنگی جامعه شوند، مثلاً حقوق زنان، چه از طرف بخش عمومی و دولت و چه از طرف افراد جامعه با آنها برخورد خواهد شد». یکی از زنان در کرمانشاه می‌گفت: «من تا به حال با جایی مشکل پیدا نکرده‌ام، چون دوست نداشتم وارد کاری شوم که به من ربطی ندارد. فقط در حوزه اجتماعی کار کرده‌ام، هیچ مشکلی هم نداشتم». اگر اینگونه کار کنیم «سازمان‌ها و مسئولان استانی تا جایی که ممکن است، همکاری می‌کنند و ما مشکل خاصی پیدا نمی‌کنیم».

هر چه شناخت جامعه از کار سازمان‌های غیر دولتی زنان بیشتر باشد، کار آنها کمتر با مانع رو به رو خواهد شد. به گفته چند تن از شرکت‌کنندگان در جلسات گروهی تبریز «فرهنگ سنتی موجود در آذربایجان به گونه‌ای است که تعداد اندکی از زنان به صرافت انجام فعالیت‌هایی در جهت خاص زنان می‌افتند». یکی دیگر نیز می‌گوید: «این مسئله از سوی زنان مورد غفلت قرار گرفته است که یکی از علل آن عدم آگاهی کافی زنان از حقوق خود بوده و علت دیگر نیز ساخت اجتماعی منطقه است». البته در برخی گروه‌ها نظر بر این بود که نگرش جامعه نسبت به کار زنان در سال‌های اخیر بسیار تغییر کرده است و برای فعالیت زنان از نظر فرهنگی کمتر مشکل ایجاد می‌شود. بیشتر مشکل از عدم شناخت جامعه از سازمان غیردولتی و مقوله NGO است. به نظر ایشان سازمان‌های غیردولتی باید پل ارتباطی بین مردم و مسئولین باشند.

مسئله عدم تفاهم زنان در کارهای گروهی به عنوان یک آسیب در سازمان‌های غیر دولتی مطرح است: با وجود اکثریت داشتن زنان در تشکل‌هایشان، مردان قدرت تعیین‌کننده هستند و شرکت‌کنندگان در جلسات این امر را ناشی از عدم تفاهم زنان با هم و حس رقابت‌شان که در اغلب موارد تخریب‌کننده می‌شود، می‌دانستند. یکی از زنان می‌گفت: «تو گروه خودمون اکثریت خانم‌ها هستند. یعنی ۶۹٪ بیشتر خانم‌ها را

داریم، ولی در رأس کارهامون آقایون هستند». زنان به دلیل شیوه تربیت خود و شاید ساختارهای روانی‌شان در برخورد با مردان موضعی انفعالی دارند و این به مردان اجازه می‌دهد علی‌رغم در اقلیت بودن، قدرت را در تشکل به دست گیرند.

از نظر برخی از شرکت‌کنندگان اگر زنان بخواهند، پایگاهشان را تغییر دهند، سه بعد باید مورد توجه قرار گیرد؛ قانون، عرف و خانواده. تا زمانی که زنان آموزش نبینند که چگونه فرزندان خود را تربیت کنند، مسائل دیگر حل نمی‌شود. مشکل اصلی مشکل تربیتی است و مسائل دیگر از جمله خشونت علیه زنان، قوانین و غیره مسائل ثانوی و در نتیجه تربیت هستند. بحث زنان به صورت شعار مطرح شده و به مسائل اصلی پرداخته نشده است.

۲. دومین مسئله‌ای که بر رابطه این سازمان‌ها با دولت مؤثر است موانع قانونی در رسیدن به رابطه‌ای بهینه است. مشکل مشترک بیشتر سازمان‌های غیردولتی زنان، محدودیت‌هایی است که در زمینه ثبت سازمان‌های غیردولتی وجود دارد، هم از جهت سردرگمی در یافتن مرجع اخذ مجوز و هم در زمانی که این سازمان‌ها به خط قرمزها نزدیک می‌شوند. از سوی دیگر نیروی انتظامی، تجدید مجوز سازمان‌های غیردولتی را در استان منوط به تملک و یا اجاره مکان دانسته است. امری که به مسأله روشن نبودن قانون سازمان‌های غیر دولتی و شرکت‌های خصوصی بر اساس قانون تجارت برمی‌گردد. همین امر است که به علت ضعف بنیه مالی سازمان‌های غیر دولتی زنان^۱، گردهمایی‌های آن‌ها را با مشکل جدی روبرو می‌کند. یکی از زنان می‌گفت: «... یعنی اگر قرار باشد یک سازمان، غیر دولتی باشد پس به ازای تمام کارهایی که می‌خواهد انجام دهد، نیازی به دریافت مجوز از هیچ سازمان دولتی ندارد. ولی عملاً ما در قبال کوچکترین

^۱ - بجای اینکه سازمان‌های غیردولتی برای کسب درآمد متکی به طرح‌هایی که اجرا می‌کنند باشند، بیشتر این سازمان‌ها به خیریه محدود شده‌اند. البته روش تجهیز منابع، از سوی وزارت کشور در طرح TOT با برگزاری کارگاه روش‌های جذب منابع آموزش داده شده است.

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۴۷

کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم، حتی زدن یک پرده برای کارهای تبلیغاتی، حتی رفتن به یک جایی و گذاشتن یک جلسه‌ای برای یک استان باید از کوچکترین سازمان در دولت مجوز بگیریم ... یا بعضی کاغذبازی‌ها که کارها را خیلی عقب می‌اندازد ...».

افرادی که معمولاً باید مجوزها را صادر کنند، دانش و صلاحیت کافی برای این کار را ندارند. همچنین فرآیند کسب مجوز انرژی زیادی از آنان می‌گیرد و مسیر حرکت آنها را منحرف می‌کند. از سوی دیگر اعمال نظرهای سلیقه‌ای گاهی بسیار گسترده است. مثلاً دیده شده که از افراد تعهد بگیرند که کار اجتماعی انجام ندهند! همین مسأله بر جوانب مختلف رابطه دولت و این سازمان‌ها تأثیر می‌گذارد. برای نمونه، ممکن است این امر بر کمک‌های دولت نیز مؤثر باشد. همچنین، از آنجایی که سازمان‌های غیر دولتی زنان سازمان‌هایی هستند غیر انتفاعی و مستقل، تشکیل سازمان‌های غیردولتی توسط دولت امری مناقشه‌آمیز است. به همین دلیل نمایندگان شرکت‌کننده این بحث را مطرح می‌کنند که دخالت دولت این سازمان‌ها را به صورت امری وارداتی درمی‌آورد که در میان مردم نهادینه نشده و به صورت دولتی باقی مانده‌اند. مشکل دیگر عدم تجانس بین مسئولین دولتی با فعالان این سازمان‌هاست که به صورت عدم اعتماد برخی نهادهای دولتی به این تشکل‌های مردمی نمودار می‌شود.

طبق تجربه این سازمان‌ها هر جا که افراد هیچ ارتباطی با دولت نگرفته‌اند موفق‌تر بوده‌اند. به دلیل عدم قوانین مشخص و مدون، نظارت دولت معمولاً به اعمال نظر سلیقه‌ای تبدیل می‌شود. هر جا که دولت سعی کرده در جهت تسهیل، بودجه‌ای تصویب کند، خودش تعیین کرده که آن را چگونه خرج کنند، بدون آنکه آشنایی کافی با مشکلات سازمان‌های غیردولتی داشته باشد. به دلیل همین مداخلات سازمان‌های غیردولتی زنان، نه بر حسب نیاز جامعه و به صورت خودجوش، بلکه توسط مراکز دولتی، با پول دولت و به صورت

تصنعی ایجاد شده‌اند. برخی از آنها توسط افراد وابسته به حاکمیت برای کسب وجهه شخصی ایجاد شده‌اند. بنابراین به هیچ وجه بدون کمک دولت قادر به ادامه حیات نیستند و استقلال ندارند.

۳. سومین مسئله مهم که رسیدن به رابطه همکاری بهینه بین طرفین را به تأخیر می‌اندازد عدم اعتماد برخی نهادهای دولتی به توانایی‌های سازمان‌های غیردولتی زنان است. زنان ذینفع در این سازمان‌ها بر این نظرند که اکثر سازمان‌های دولتی توانایی سازمان‌های غیردولتی را قبول ندارند (به ویژه وقتی اعضای آن را زنان و جوانان تشکیل می‌دهند). حتی آن دسته از سازمان‌های دولتی که به ظاهر اظهار می‌دارند که به قدرت سازمان‌های غیردولتی ایمان دارند، در عمل توجهی به این سازمان‌ها نمی‌کنند. مدیران در استان، سازمان‌های غیردولتی را به رسمیت نمی‌شناسند. حتی حاضر به صحبت با نمایندگان سازمان‌های غیردولتی نیستند. این واقعیتی است که برای رابطه سازمان‌های غیردولتی شهرستان‌ها با دولت و فعالیت‌های آنان در جامعه ایجاد مشکل می‌کند. یکی از زنان در بحث‌های گروهی در استان گیلان می‌گفت: «... [از آموزش و پرورش خواستیم] به بچه‌های ما اجازه بدهند، بروند در مدرسه به بچه‌ها آموزش [بازیافت زباله] بدهند، باور نمی‌کنید سه ماه است در شهر صومعه سرا، به ما مجوز داده‌اند به مدرسه هم رفتیم، ولی یکی از مسئولین آموزش و پرورش صومعه سرا گفت: چطوری به شما اعتماد کنیم، شاید شما رفتید به این بچه‌های کوچک گفتید چه جوری بمب اتم درست کنند...» بدین سبب، این مسئولین هستند که باید نسبت به توانایی سازمان‌های غیردولتی آگاه شوند و این آگاهی را باید از طریق آموزش مثلاً بوسیله کارگاه آموزشی کسب کنند. چنین آموزش‌هایی کمک می‌کند تا دیدگاه مسئولین نسبت به این سازمان‌ها تعدیل شود. برای مثال مسئولین تلقی انتفاعی بودن این سازمان‌ها را دارند.

این امر ممکن است به گزینشی عمل کردن دولت برای همکاری با سازمان‌های غیردولتی منجر شود. دولت برای انتخاب سازمان‌های غیردولتی که می‌خواهد با آنها کار کند، به شدت گزینشی عمل می‌کند. در واقع مسئولین دولتی فقط با سازمان‌های غیردولتی کار می‌کنند که در بین اعضای آنها افراد سرشناسی

رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران ۴۹

حضور داشته باشند و سعی در شناسایی سازمان‌های غیردولتی دیگر ندارند. در حالی که دولت می‌تواند با ایجاد قوانینی به سازمان‌های غیردولتی در امر گرفتن طرح‌های پژوهشی و اجرایی کمک کند. اما در عین حال سازمان‌های غیردولتی نباید از دولت کمک مالی دریافت کنند، زیرا این امر استقلال آنها را به خطر می‌اندازد در حالی که حفظ استقلال مهمترین رسالت یک سازمان غیردولتی است. اساس مالی سازمان‌های غیردولتی باید بر اساس طرح‌هایی باشد که اجرا می‌کنند. این امر یکی از راه‌های کاهش بیکاری در جامعه است.

البته برای فقدان دلایلی دیگر ذکر شده است، از آن جمله مشکل روابط دختران و پسران در سازمان‌های غیردولتی، به ویژه در سازمان‌های وابسته به سازمان ملی جوانان. کمبود فضای کافی برای ارتباط آنان در سطح جامعه موجب می‌شود که دختران و پسران در این سازمان‌ها گرد هم آیند، این موضوع جامعه و مسئولین را نسبت به این سازمان‌ها بی‌اعتماد می‌کند. عدم اعتماد به سازمان‌های غیردولتی از یک طرف و نیاز به خدمات این سازمان‌ها باعث ایجاد سازمان‌های موسوم به سازمان‌های «دم دستی» شده است. سازمان‌های به ظاهر غیردولتی که مسئولان دولتی هر زمان که نیاز دارند از آنها استفاده می‌کنند و عملاً وابسته به دولت شده‌اند و در اکثر موارد به عنوان «صف شکن» عمل می‌کنند. شاید نبود یک شبکه ارتباطی بین سازمان‌های غیردولتی عامل اصلی تشدید این مسئله باشد.

۴. مسئله مهم دیگر که بر همکاری این سازمان‌ها و دولت مؤثر است بزرگ بودن بیش از اندازه دولت است. بزرگ بودن بیش از اندازه دولت در ایران عاملی شده است که سبب می‌شود نه تنها سازمان‌های غیردولتی بلکه هیچ فعالیتی نتواند کاملاً از دولت مستقل باشد. در ایران سال‌ها دولتی هستند، طرح‌ها دولتی هستند، موافقت‌ها باید دولتی باشد، بنابراین در این ساختار دولتی بزرگ هر اقدامی باید در ارتباط تنگاتنگ با دولت صورت گیرد. وابستگی «زالو وار» سازمان‌های غیردولتی به دولت در یک دولت بزرگ، اجتناب ناپذیر است.

اما دولت باید کمک‌های خود را صرف امور زیر بنایی مانند احداث تالار برای گردهمایی‌های سازمان‌های غیردولتی کند. شرکت‌کنندگان با تأکید بر این امر که مسائل زیربنایی بسیار مهم هستند آن‌ها را به دو دسته «نرم افزاری» و «سخت افزاری» تقسیم کردند و نیروهای داوطلب در سازمان‌های غیردولتی را مهمترین بخش نرم افزاری دانستند.

۵. عامل مهم دیگری که بر رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان تأثیر می‌گذارد این است که سازمان‌های دولتی ترجیح می‌دهند به جای NGOها با بخش خصوصی کار کنند. سازمان‌های دولتی باید ارتباط بین بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی را تسهیل کنند و از ترجیح دادن بخش خصوصی بر غیردولتی‌ها پرهیز کنند. برای نمونه استاندار می‌تواند کانالی باشد که منابع مالی کارخانجات را به طرف سازمان‌های غیردولتی هدایت کند تا زمینه اشتغال جوانان را فراهم آورد. در حالی که در مواردی دولت رابطه با بخش خصوصی را ترجیح داده است. برای نمونه، در برخی استان‌ها سازمان تربیت بدنی سالن‌های خود را به بخش خصوصی اجاره می‌دهد. این امر هم هزینه بیشتری برای تربیت بدنی دارد و هم برای مردم، در حالی که اگر این سالن‌ها را به سازمان‌های غیردولتی و بخش داوطلبی واگذار کند و یا امتیازی به این بخش بدهد، این سازمان‌ها هم کارا تر عمل می‌کنند و هم هزینه‌های کمتری دارد.

۶. جایجایی مدیران در دستگاه‌های دولتی برای سازمان‌های غیردولتی زنان مسئله مهم دیگری است که در راه همکاری طرفین مشکل ایجاد می‌کند. در سازمان‌های دولتی موارد متعددی پیش آمده است که با تغییر یک مدیر اهداف آن بخش نیز تغییر کرده است. برای یک سازمان غیردولتی که با دولت همکاری می‌کند، هماهنگی با این تغییرات بسیار مشکل است و گاهی حتی به قطع رابطه و ناتمام ماندن طرح‌ها می‌انجامد. این مسأله باعث شده است تا مسئولان آشنایی کافی با مقوله حرکت‌های داوطلبانه و سازمان‌های غیردولتی نداشته باشند، از این رو گاهی برای سازمان‌های غیردولتی، ایجاد دلسردی و مشکل می‌کند.

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۵۱

یکی از شرکت‌کنندگان می‌گفت: «به عنوان مثال، یکی - دو سال پیش فردی که متصدی سازمان‌های غیردولتی در استانداری بود به این کار بسیار علاقه‌مند بود. تعداد زیادی از مجوزهای سازمان‌ها نیز در زمان تصدی وی صادر شده است. درست از زمانی که وی، به خاطر ادامه تحصیل، از این سمت کنار رفت، روند أخذ مجوز به صورت معناداری دشوارتر گردید». پیشنهاد برخی از حضار این بود که لازم است، کسانی که برای کار در مناصب مربوط به سازمان‌های غیردولتی وارد نظام اداری می‌شوند، ابتدا تحت آموزش‌هایی قرار گیرند و با سازمان‌های غیردولتی و نوع فعالیت‌های ایشان آشنا گردند تا بدون اخلال در روند موجود، بتوانند یاور سازمان‌های غیردولتی باشند.

۷. مسائل مدیریتی و تشکیلاتی نیز بر رابطه این سازمان‌ها با دولت مؤثر است. یکی از کمبودها فقدان یک شبکه کارا در میان سازمان‌های غیردولتی زنان در استان‌هاست. حتی بین سازمان‌های غیردولتی که در زمینه خاصی فعالیت می‌کنند، نیز چنین رابطه‌ای نیست. در صورتی که وجود این همکاری قدرت سازمان‌های غیردولتی را مضاعف می‌کند. خانه تشکل‌های استان‌ها تاکنون موفقیت چندانی به دست نیاورده است. اگرچه این امیدواری وجود دارد که این خانه‌ها با همکاری سازمان‌های غیردولتی استان‌ها بتوانند نقش مؤثری داشته باشد (ضعف خانه تشکل‌ها دو جنبه داشت از یک طرف در مرحله اول به دلیل عدم همکاری دولت در ثبت اساسنامه با مشکل مواجه بود و در دوره دوم نیازمند همکاری بیشتر سازمان‌های غیردولتی است). نیاز تشکیل شبکه‌ای میان سازمان‌های غیردولتی نظیر خانه تشکل‌ها باید از طریق خود سازمان‌های غیردولتی احساس شود، ولی این تشکل از طرف دولت ایجاد شده است.

۸. محور دیگری که بر رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان تأثیر داشته است رابطه‌ای است که آنها با حوزه سیاست برقرار می‌کنند. بعضی از شرکت‌کنندگان آلوده شدن سازمان خود را که قصد کارهای اجتماعی داشت به اهداف و مسائل سیاسی باعث آسیب دانسته و آن چیزی که از آن به عنوان «رشد پفکی»

یاد می‌کردند، را مضر قلمداد نمودند. از نظر آنان کسانی که به قصد کار سیاسی یا به عبارتی کار حزبی دست به فعالیت در قالب سازمان‌های غیردولتی زدند به کلیت این سازمان‌ها لطمه وارد کردند. از دیگر مشکلات، این موضوع اعلام شد که گروهی از حاکمیت از سازمان‌های غیردولتی جهت تبلیغات سیاسی و دستیابی به اهداف شخصی سود بردند. یکی از فعالان در سازمان‌های غیر دولتی بر این مسأله تأکید دارد که اگر چه می‌توان بسیاری از مشکلات سازمان غیر دولتی را با فعالیت‌های سیاسی حل کرد اما چون افراد نسبت به سازمان‌های غیردولتی دیدی سیاسی دارند نباید در این سازمان‌ها فعالیت سیاسی داشت.

۹. محور عمده دیگری که دستیابی به رابطه‌ای بهینه را با مشکل مواجه می‌سازد، مشکلات اقتصادی در سازمان‌های غیر دولتی زنان است. یکی از مشکلات سازمان‌های غیر دولتی زنان، آن بود که آنها نمی‌توانند از بانک‌ها وام بگیرند، زیرا آن‌ها شخص حقیقی نیستند و از سوی دیگر شرکت هم نیستند. این امر تا حدی با تأسیس زمینه‌های مالی فعالیت، نظیر قرض‌الحسنه انجام می‌شود. اما دولت در اصلاح رابطه‌اش با این سازمان‌ها باید به این صندوق‌ها کمک کند. این مسأله می‌تواند به برخی از اهداف اشتغال‌زایی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار کمک کند. انجام این امر مهم‌ترین مسئله سازمان‌های غیر دولتی زنان، یعنی تأمین مالی طرح‌های آن‌ها را حل کرده و احتمالاً برای دوره‌ای کوتاه اشتغال‌زایی می‌نمایند.

مسأله دیگر اقتصادی معضل بیکاری و فعالیت در سازمان‌های غیردولتی زنان است. برخی اوقات گروهی از افراد تحصیل‌کرده، که معمولاً با معضل بیکاری هم مواجه هستند، با تشکیل یک سازمان غیردولتی، آن را ممر درآمد خود می‌سازند. یکی از کارشناسان دولتی مرتبط با سازمان‌های غیردولتی، اذعان می‌دارد که «اغلب اوقات مراجعه‌کنندگان برای تأسیس سازمان غیردولتی انتظار دارند پس از کمی فعالیت به استخدام اداره محیط زیست یا سازمان ملی جوانان درآیند».

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۵۳

برنامه عمل پیشنهادی رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان

در این بخش نتیجه بحث‌های گروهی مقدماتی توسط نمایندگان آنها در سه مرحله مورد بررسی قرار گرفت. طرح برنامه عمل بر اساس نتایج جلسات بحث گروهی متمرکز تهیه شده بود، محور این طرح تقویت مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های اجتماعی، گسترش شفافیت و پاسخ‌گویی از طریق دسترسی به اطلاعات در سازمان‌های غیردولتی، توسعه ظرفیت‌ها برای افزایش همکاری سازمان‌های غیر دولتی زنان، ساخت و توسعه ظرفیت‌ها در سازمان‌های غیردولتی و فراهم کردن حمایت نهادی، تقویت همکاری، تعاون و تشریک مساعی سازمان‌های غیر دولتی زنان و دولت بوده است. همچنین به این مسأله توجه شده است که چارچوب این برنامه باید با سیاست‌های دولت منطبق باشد و نیز تأثیر کاملی بر آنها گذارد. همچنین موجب تقویت ارکان سازمان‌های غیر دولتی زنان گردد. با توجه به اهداف فوق شرکت‌کنندگان در مورد امور زیر به عنوان برنامه عمل توافق نسبی پیدا کردند:

۱) سازمان‌های غیر دولتی زنان سازمان‌هایی هستند که اکثریت اعضا و هیئت مدیره آنان را زنان تشکیل می‌دهند و یا اینکه به اموری می‌پردازند که مستقیماً مربوط به زنان است. دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان با توجه به موقعیت فرهنگی و اجتماعی هر منطقه باید تمهیداتی را در جهت گسترش فعالیت‌های خاص زنان در این سازمان‌ها انجام دهند. سازمان‌های غیر دولتی زنان می‌توانند به زبان و فرهنگ خاص قومی فعالیت و یا گسترش آن را در اساسنامه خود لحاظ کنند.

۲) دولت با توجه به تعهدات بین‌المللی خود، زمینه گسترش فعالیت‌های خاص زنان را در چارچوب سازمان‌های غیر دولتی زنان فراهم کند.

۳) برای حل مشکلات مالی سازمان‌های غیر دولتی زنان، طرح‌های زیر با کمک دولت به اجرا گذارده شود:

افزایش مؤسسات مالی اعتباری خرد، الزام بانکها از طریق قوانین بودجه و تسهیلات تکلیفی به پرداخت وامهای طولانی مدت و بدون بهره به سازمانهای غیر دولتی زنان، معافیت مالیاتی وجوهی که به هدف تقویت این سازمانها از طرف بخش خصوصی به غیر دولتیها اختصاص می‌یابد.

این امر با توجه به غیر انتفاعی بودن از یک طرف و نیاز مالی سازمانهای غیر دولتی زنان از سوی دیگر و با توجه به نظرات شرکت‌کنندگان نسبت به بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفت.

۴) سازمانهای غیر دولتی زنان موظف هستند تا اعتبارات دریافتی از دولت را برای امور مرتبط با مسائل بلافصل زنان مصرف نمایند. دولت و مؤسسات مالی اعتباری بر انجام امور نظارت می‌نماید.

۵) دولت با تشکیل کمیته‌ای از کارشناسان دولتی و نمایندگان سازمانهای غیر دولتی زنان و نیز کارشناسان مسائل سازمانهای غیردولتی زنان برنامه نحوه واگذاری طرحها را با در نظر گرفتن الویتها به سازمانهای غیر دولتی زنان مشخص نماید.

۶) برای حل مسئله اخذ مجوز و ثبت، دولت سازمانهای غیردولتی را از شرکتهای مشمول قانون تجارت متمایز کرده و نسبت به تصویب قانون مشخص سازمانهای غیر دولتی زنان اقدام نماید. همچنین بانک اطلاعاتی از تمامی اساسنامه‌های سازمانهای غیر دولتی زنان تهیه نماید.

۷) دولت برای تمایز بین سازمانهای دولتی و غیر دولتی زنان و در جهت استقلال و داوطلبانه بودن فعالیت‌های سازمانهای غیردولتی زنان برخی سازمانهای غیر دولتی زنان را که شبهه مستقل بودن و غیردولتی بودن در آنها مشهود است به نام سازمانهای نیمه مستقل غیر دولتی‌زنان به رسمیت شناسد. مأمورانی که در این سازمانها به کار مشغولند، می‌توانند جزو کارمندان دولت محسوب شوند. برخی از آنها از جمله متخصصان امور هستند. مدیران این سازمانها اغلب به صورت پاره‌وقت برای این سازمانها کار می‌کنند و هم‌زمان به کار خود برای کارفرمایان دیگر از جمله دولت ادامه می‌دهند. اصطلاح نیمه مستقل

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۵۵

بدین معنا است که این سازمان‌ها نسبتاً از نظارت‌های حکومتی خارج می‌باشند اما می‌توانند به صورت بازوهای حکومتی در انجام و مدیریت حوزه گسترده‌ای از خدمات عمل کنند.

۸) دولت و سازمان‌های غیردولتی باید به منظور افزایش اثربخشی و کارایی فعالیت‌های خود، سرمایه‌گذاری بیشتری در زمینه افراد، سازمان‌ها و تواناسازی ایشان انجام دهند. همچنین دولت برنامه‌های آموزشی هماهنگی برای کارشناسان دولتی به ویژه نیروهای مرتبط با سازمان‌های غیر دولتی زنان ترتیب دهد.

۹) دولت به عنوان تسهیل‌گر از توزیع اطلاعات و شبکه سازی ارتباطات سازمان‌های غیر دولتی زنان با برنامه‌های مشخص حمایت کند. ترتیب این برنامه‌ها را کمیته مشترک دولت، کارشناسان مستقل مسائل سازمان‌های غیر دولتی زنان و نمایندگان این سازمان‌ها مشخص نمایند. این کمیته زمینه‌های شکل‌گیری شبکه توسط خود غیر دولتی‌های زنان را ایجاد نماید.

۱۰) کمیته مشترک نمایندگان سازمان‌های غیردولتی و کارشناسان مسائل غیر دولتی‌های زنان، برنامه‌ای را در جهت تقویت اتحادهای راهبردی سازمان‌های غیر دولتی زنان و بخش خصوصی ارائه کنند. دولت بر این برنامه‌ها نظارت و از گسترش آن بدون دخالت در جزئیات حمایت کند. سازمان‌های غیر دولتی زنان می‌توانند در قالب این اتحادها برنامه‌های همکاری مشترک با بنگاه‌های بخش خصوصی را تدوین و امضا نمایند.

۱۱) دولت به منظور افزایش اعتماد مسئولان دولتی به سازمان‌های غیر دولتی و برعکس، برنامه‌های آموزشی منظمی را در سازمان‌های دولتی و غیر دولتی برگزار نماید. این برنامه‌ها می‌تواند به صورت مشترک برگزار گردد.

۱۲) سازمان‌های غیردولتی زنان برای اصلاح نگاه مسئولین دولتی و مردم کلیه تصمیمات و اقدامات خود را در معرض عموم قرار دهند. برنامه‌های نظام‌مند برای انجام مستمر این امر را دولت با آموزش کارشناسان سازمان‌های غیر دولتی زنان مورد حمایت قرار می‌دهد.

۱۳) دولت با کمک سازمان‌های غیردولتی زنان اعضای این سازمان‌ها را برای اداره و مدیریت سازمان آموزش دهد. آموزش‌ها توسط کارشناسان مستقل و مؤسسات علمی و دانشگاه‌ها انجام خواهد شد.

۱۴) دولت در مورد سازمان‌های غیردولتی زنان که کمک‌های دولتی را دریافت می‌کنند، برنامه نظارتی فنی و ویژه‌ای به مورد اجرا گذارد. دولت برای این نظارت از کارشناسان مستقل امور سازمان‌های غیردولتی زنان استفاده نماید.

۱۵) دولت به منظور گسترش استقلال مالی سازمان‌های غیردولتی زنان برنامه‌های کمک مستقیم مالی را به صورت زمانبندی ارائه دهد و برای هدفمند کردن برنامه‌ها کمیته مشترک، برنامه‌های آموزشی در جهت ارتقای استقلال سازمان‌های غیردولتی زنان را تدوین نماید.

منابع

- دفتر مطالعات و پژوهش‌های سیاسی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸) *سازمان‌های غیردولتی*، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳) *لایحه برنامه چهارم توسعه*، تهران.
- وزارت ارشاد اسلامی دفتر طرح‌های ملی وزارت ارشاد اسلامی (بی تا) *جنسیت و نگرش اجتماعی*.
- احمدی خراسانی، نوشین (۱۳۸۲) *پدر دوم غیردولتی‌ها*، شرق، هشتم شهریور، تهران.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۸۴) *نقش اجتماعی-سیاسی زنان در جامعه معاصر ایران*، پژوهش زنان، شماره ۱۲، صص ۹۴-۷۵.
- عبدی و گودرزی (بی تا) *تحولات فرهنگی در ایران*، تهران: وزارت ارشاد.
- محترم، علی امید (۱۳۸۲) *سازمان‌های غیردولتی به مثابه یک راه حل، نسیم صبا*، فروردین ماه، تهران.
- هریسی نژاد، کمال الدین (۱۳۸۰) *جایگاه سازمان‌های غیردولتی در نظام سازمان ملل متحد*، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمان‌های غیردولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین‌المللی، تهران: دفتر تحقیقات سیاسی وزارت کشور.
- گزارش نامه (۱۳۸۲) گزارشی از میزگرد شیوا دولت‌آبادی و دیگران، نامه، شماره ۵ و ۶ تهران.
- گزارش همشهری (۱۳۸۱) *تصویر کدر دنیا از زنان ایرانی*، همشهری، بیست و پنجم مردادماه، تهران.

رابطه دولت و سازمان‌های غیر دولتی زنان در ایران ۵۷

- گزارش جوان (۱۳۸۲) مقاله‌ها فراتر از دغدغه‌های زنانه، جوان، شانزدهم خرداد، تهران.
- گزارش اطلاعات (۱۳۸۱) نگرشی بر سازمان‌های غیر دولتی، اطلاعات، هفتم خرداد، تهران.
- گزارش توسعه (۱۳۸۲) نقش زنان و جوانان در سازمان‌های غیردولتی، توسعه، سی و یکم شهریور، تهران.
- نتایج گزارش UNDP (۱۳۸۱) ترجمه محمد هادی دریایی، اعتماد، تهران.
- موانع ساختاری سازمان‌های غیر دولتی در ایران (۱۳۸۲) مصاحبه پروین بختیارزاده، نامه ۵، ۶ و ۷، تهران.

Asian Bank of Development online at <http://www.adb.org/NGOs/>

- Bahramitash, R.** (2004), *Myths and Realities of the Impact of Political Islam on Women: Female Employment in Indonesia and Iran*, *Development in Practice*, Vol. 14, No. 4, June, pp: 508-520.
- Denzin, N. K. and Y. S. Lincoln, Eds.** (2000), *Focus Groups in Feminist Research*, in *Handbook of Qualitative Research*, California, Sage, pp: 835-849.
- Ebrahim, A.** (2003), *Accountability in Practice: Mechanisms for NGOs*, *World Development*, Vol. 31, No. 5, pp: 813–829.
- Johnson Osirim, M.** (2001), *Making Good on Commitments to Grassroots Women: NGOs and Empowerment for Women in Contemporary Zimbabwe*, *Women's Studies International Forum*, Vol. 24, No. 2, , pp: 167–180.
- Helmsm, E.** (2003), *Women as Agents of Ethnic Reconciliation? Women's NGOs and International Intervention*, in *Postwar Bosnia–Herzegovina Women's Studies International Forum*, Vol. 26, No. 1, pp: 15 – 33.
- Najam, A.** (2000), *The Four C's of Government- third World Relations: Cooperation, Confrontation, Complementarity and Co-optation*, *Journal of Nonprofit Management and Leadership*, Vol. 10, No. 4, pp: 375-396.
- Najam, A.** (1996), *Understanding the Third Sector: Revisiting the Prince, the Merchant, and Nonprofit*, *Management and Leadership*, Vol. 7, No. 2, pp: 203-219.
- Roberts M.j.d.** (1995), *Feminism and the State in Later Victorian England*, *The Historical Journal*, Vol. 38, No. 1, pp: 85-110.

Rostami Povey, E. (2004), *Trade Unions and Women's NGOs: Diverse Civil Society Organisations in Iran*, Development in Practice, Vol. 14, No. 1-2 / February 2004, pp: 254 - 266

Shamsul, H. M. (2002), *The Changing Balance of Power Between the Government and NGOs in Bangladesh*, International Political Science Review, Vol. 23, No. 4, pp: 411-435.

Thomas, S, et.al., (1991), *The Impact of Gender on Activities and Priorities of State Legislators*, the Western Political Quarterly, Vol. 44, No. 2, pp: 445-456.